



نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی:

**توسعه فضای سبز و
احیای بناهای تاریخی گامی ارزشمند
در زندگی شهروندان است**

در صفحه ۸

دوشنبه ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۴ سال نوژدهیم شماره ۳۳۷۸ قیمت ۵۰۰۰ تومان

۲ گزارش

طرح نو بررسی می کند:

مقایسه‌ی حقوق اقوام

در ایران و ترکیه

طرح نو ؛ گروه گزارش
دو کشور ترکیه و ایران از برخی جهات خیلی شبیه به هم هستند. که یکی از شباهت‌ها وجود اقوام با خرده فرهنگ‌های مختلف در جغرافیای هر دو کشور است. به عنوان نمونه در ترکیه، کردها همچون ایران بخش زیادی از جمعیت ۸۰ میلیونی این کشور را شامل می‌شوند. این مطلب به قلم امیر هاشمی مقدم، دانشجوی دکتری انسان‌شناسی، مقایسه‌ای تطبیقی میان قانون اساسی دو کشور در نوع برخورد با حقوق اقوام می‌باشد.

جابجایی جمعیت‌های قومی

در ترکیه فرایند جابجایی اقوام و اخراج جمعیت‌های ارمنی، یونانی و... و به جای آن دعوت از ترک‌های حوزه قفقاز، بالکان، بلغارستان، یونان و دیگر کشورها در پیش گرفته شده بود. اورهان پاموک به خوبی این فرایند را در کتاب «استانبول، خاطرات و شهر» توصیف کرده است: «در ابتدای قرن بیستم کمتر از نصف جمعیت شهر [استانبول] مسلمان بودند و بیشتر ساکنان غیرمسلمان را اعیان یونانی‌های بی‌زنانسی تشکیل می‌دادند. پاموک در ادامه شرح می‌دهد که دولت چگونه دست گروه‌های خودش را باز گذاشت تا همه اقلیت‌ها و یونانی‌ها را غارت کرده و ناچار به ترک این کشور کنند. اما ایران هرگز نه غیرفارسی‌ها را از ایران بیرون کردو نه از فارس‌های کشورهای...

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار



طرح نو بررسی می‌کند:

دانشگاه تبریز؛ از دیروز تا امروز، ستاره‌های

در خشان در آسمان علم ایران

در صفحه ۳

سرمقاله

۲

کریدور زنگزور؛ پیچیده‌تر از یک مسیر

طرح نو؛ سردبیر
کریدور زنگزور، موضوعی که سال‌هاست مطرح بوده، اخیراً با تحولات جدیدی روبرو شده که آن را از یک پروژه صرفاً زیرساختی فراتر برده و به یک نقطه‌ی کانونی رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است.
ببیاید کمی به عقب برگردیم. ریشه‌های بحث کریدور زنگزور به حدود ۳۴ سال پیش بازمی‌گردد؛ طرحی که هدف اصلی‌اش برقراری یک مسیر ارتباطی مستقیم بین جمهوری آذربایجان و نخجوان از طریق خاک ارمنستان بود. این ایده، از همان ابتدا با حمایت قدرت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده و ناتو، همراه بوده است. در مقابل، ایران و روسیه همواره نسبت به این طرح، با دیدۀ تردید نگریسته‌اند. دلیل این تردید، کاملاً پیداست: این کریدور نه تنها می‌تواند موازنه قدرت در منطقه قفقاز جنوبی را تغییر دهد، بلکه می‌تواند دسترسی و نفوذ ایران را در این منطقه حساس محدود کند. سخن از یک مسیر ۴۲ کیلومتری است، اما تبعات آن بسیار فراتر از طول جغرافیایی‌اش است؛ این یک بازی بر

گزارش

۱

زنگه‌زور، دالان میانی و نظم نوین انرژی؛ رقابت یا محاصره؟

گفت و گو

۶

گفت و گو با چند تن از مدیران مسئول به بهانه روز خبرنگار ؛

پنج واژه تا ماندگاری؛ حکایت دانش

و صداقت در حرفه بی‌قرار خبر

میان مؤدت قلم و عصیان حقیقت؛ صدای خبرنگار

در عصر سرعت و تردید

(بخش دوم)

زنگه‌زور، دالان میانی و نظم نوین انرژی؛ رقابت یا محاصره؟

اکنون میست: توافق ارمنستان و باکو به سه دلیل ممکن است به هم بخورد

طرح نو؛ گروه سیاست
اکنون میست نوشت: در ۸ اوت، دونالد ترامپ با نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان، و الهام علیف، رئیس‌جمهور باکو، برای پایان دادن به مناقشه میان دو کشورشان دیدار کرد. در کاخ سفید، این سه نفر «اعلامیه صلح» و توافق‌هایی در زمینه تجارت و امنیت امضا کردند. نکته کلیدی این بود که ارمنستان موافقت کرد یک مسیر حمل‌ونقل تحت اداره آمریکا را از خاک خود باز کند که باکو را به نخجوان – قلمرو جدافتاده‌اش – متصل می‌کند. این گذرگاه «مسیر ترامپ برای صلح بین‌المللی» (TRIPP) نامیده خواهد شد.
اکنون میست افزود: علیف و پاشینیان وعده دادند که ترامپ را برای دریافت جایزه نوبل صلح نامزد کنند. این توافق موقعیت روسیه – که مدت‌ها در این مناقشه دخالت داشته – و همچنین ایران را تضعیف خواهد کرد. این یک معاهده صلح رسمی نیست. این که چنین اتفاقی رخ دهد یا نه، آزمون برای دیپلماسی آمریکا و برای خود ارمنستان و باکو خواهد بود. روسیه هنوز می‌تواند دردسر ایجاد کند.
با این حال، در میان تشریفات پرزرق و برق ترامپی، این توافق کارهای زیادی باقی گذاشته است. در واشگتن، علیف و پاشینیان حروف اختصاری خود را پای یک معاهده رسمی صلح نوشتند، اما آن را امضا نکردند. خواسته باکو برای تغییر قانون اساسی ارمنستان برآورده نشده است.

دلایل مهمی نیز برای احتیاط وجود دارد:

۱- پاشینیان محبوبیت ندارد. فقط ۱۳ درصد ارمنیان می‌گویند به او اعتماد دارند. تئدروهای ملی‌گرا، از جمله روبرت کوچاریان، رئیس‌جمهور سابق، او را به مصالحه بر سر حاکمیت ارمنستان متهم می‌کنند و برگزاری همه‌پرسی که باکو خواستارش است تفرقه‌برانگیز خواهد بود و انتخابات سال آینده فرصت دخالت روسیه را فراهم می‌کند.
۲- باکو نیز می‌تواند روند صلح را مختل کند. علیف پیش‌تر تهدید کرده بود که این کریدور حمل‌ونقل را با زور تصرف خواهد کرد. او گاهی به خیال‌پردازی‌های تجدیدنظرطلبانه مانند نامیدن ارمنستان به‌عنوان «آذربایجان غربی» دامن زده است. لارنس پروتز از اندیشکده چتم هاوس می‌گوید این‌گونه اظهارات اگر ادامه یابد «همچون زهر کشنده» برای صلح خواهد بود.
۳- خطر دیگر این است که آمریکا علاقه‌اش را از دست بدهد. در طول تاریخ، صلح در قفقاز جنوبی اغلب با دخالت قدرت‌های خارجی حاصل شده است. پروتز می‌گوید: «در ۲۰۲۰ روسیه و ترکیه این کار را کردند، در دهه ۱۹۹۰ گروه مینسک، و در دهه ۱۹۹۰ بلشویک‌ها.» ترامپ آمریکا را به‌عنوان تازه‌ترین میانجی صلح در یک محله سخت معرفی کرده است. این که آیا این نقش پایدار خواهد بود یا نه، دیگر در کنترل او نخواهد بود.

جدی برای امنیت و انرژی کل منطقه خواهد داشت.
ایران با بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیکی خود برای حفظ نفوذ در قفقاز و ارتباط با ارمنستان، در صورت افزایش نفوذ غرب و آمریکا در کریدور زنگه‌زور، ممکن است واکنش‌های امنیتی و اقتصادی شدید نشان دهد که به بحران‌های انرژی و اقتصادی فراتر از مرزهای خود منجر شود.

روسیه، بازیگر سنتی و قدرتمند منطقه، منافع راهبردی خود را در حفظ نفوذ دنبال می‌کند و احتمالاً با تقویت همکاری‌های نظامی و سیاسی با ایران و ارمنستان، محور رقیبی در مقابل نفوذ ترکیه و غرب شکل می‌دهد.
چین، با سرمایه‌گذاری گسترده در پروژه کمربند و جاده (BRI) و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی در قفقاز جنوبی، به بازیگری اثرگذار در این منطقه تبدیل شده است. حضور چین از یک سو فرصت‌هایی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و انرژی فراهم می‌کند، اما از سوی دیگر ریسک تبدیل‌شدن قفقاز جنوبی به صحنه رقابت چندجانبه میان آمریکا، روسیه و چین را افزایش می‌دهد.
در این میان، اروپا و آمریکا سرمایه‌گذاری در پروژه‌های چندوجهی انرژی، تجارت و ارتباطات را با هدف کاهش وابستگی به روسیه افزایش داده‌اند؛ از جمله کابل برق زیردریایی در دریای سیاه، خطوط فیبر نوری مستقل از مسیرهای روسی، و همکاری‌های گازی راهبردی میان آذربایجان و اتحادیه اروپا. در چنین فضایی، آذربایجان و گرجستان به بازیگران کلیدی در شکل‌دهی به نظم نوین اوراسیایی تبدیل شده‌اند.

توافق بر سر کریدور زنگه‌زور تنها یک پروژه ترانزیتی نیست، بلکه نماد بازتعریفی ژئوپلیتیکی در قفقاز جنوبی است؛ جایی که اروپا در پی استقلال انرژی، آمریکا به‌دنبال همکاری جدید نظم منطقه‌ای، و کشورهای منطقه‌ای در جستجوی راهبردهای تازه در رقابت قدرت‌ها هستند.

این مسیر ترانزیتی حیاتی می‌تواند نقش اصلی خود را به عنوان دروازه‌ای برای انرژی پایدار و عامل ثبات در منطقه ایفا کند؛ در غیر این صورت، قفقاز جنوبی نه تنها از تحقق جایگاه خود به عنوان پل انرژی اوراسیا بازخواهد ماند، بلکه به صحنه‌ای پرتنش برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی و بحران‌های انرژی تبدیل خواهد شد. درصورت تداوم تنش و گسست در همکاری‌های منطقه‌ای، خطر ایجاد یک کمربند ناپایدار از بی‌ثباتی انرژی، درگیری‌های نیابتی و اختلال زیرساختی از سواحل خزر تا شرق مدیترانه جدی خواهد بود؛ زنگه‌زور ممکن است نه دروازه اتصال، بلکه نقطه گسست نظم امنیتی اوراسیا شود.



دارند. پروژه‌هایی مانند نیروگاه ارس که مشارکت ایران و ارمنستان در آن کلید خورده، ممکن است به دلیل ناامنی‌ها متوقف شود.

تشدید منازعه منجر به ایجاد دو محور رقیب شده است: محور ایران-روسیه-ارمنستان که علیه نفوذ ناتو و غرب است، و محور ترکیه-آذربایجان-گرجستان که حمایت غرب را دارد. گرجستان که پیش‌تر نقش بی‌طرف و فنی در انتقال انرژی ایفا می‌کرد، اکنون تحت فشار سیاسی و امنیتی برای انتخاب سمت‌گیری قرار گرفته است. بر اساس مطالعات بنیاد مطالعات راهبردی و بین‌المللی گرجستان در سال ۲۰۲۴، اکثریت مردم این کشور نسبت به وابستگی انرژی به هر یک از طرفین نگران هستند.

چالش‌های کلان منطقه EECCA در حوزه انرژی

منطقه EECCA با چالش‌های جدی در زمینه انرژی روبرو است؛ بهره‌وری انرژی در این منطقه به طور متوسط ۲.۵ برابر پایین‌تر از کشورهای سازمان همکاری توسعه اقتصادی (OECD) است و سهم انرژی‌های تجدیدپذیر به جز انرژی آبی کمتر از ۵ درصد است که نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری اندک در این حوزه است. ضعف ساختارهای حکمرانی انرژی و نبود مکانیزم‌های پاسخگویی سریع به بحران‌ها نیز مانع تدوین سیاست‌های پایدار شده است.

نقش ایران، روسیه و چین در تحولات پیش‌رو

نقش ایران، روسیه و چین به عنوان بازیگران کلیدی منطقه‌ای بیش از پیش برجسته خواهد شد. هرگونه تغییر در موازنه قدرت پیرامون کریدور زنگه‌زور، پیامدهای

تأثیر ورود آمریکا و واکنش بازیگران منطقه‌ای

ورود مستقیم آمریکا به مسئله و به رسمیت شناختن رسمی کریدور زنگه‌زور، می‌تواند وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه را به طور قابل توجهی دگرگون کند. این رویداد احتمالاً موجب افزایش حمایت‌های سیاسی و نظامی غرب از جمهوری آذربایجان و ترکیه خواهد شد و محورهای رقیب را تشدید می‌کند.

از منظر انرژی، حضور آمریکا و حمایت گسترده آن می‌تواند جریان سرمایه‌گذاری غربی در پروژه‌های انرژی منطقه را افزایش دهد و مسیر دالان میانی را به عنوان جایگزینی مطمئن‌تر برای مسیرهای روسیه تحکیم کند. اما هم‌زمان این مسئله، احتمال واکنش شدید ایران و روسیه را افزایش داده و خطر بی‌ثباتی امنیتی و اختلال در زیرساخت‌های انرژی را بالا می‌برد.

چالش‌های امنیتی خطوط انتقال انرژی

خطوط انتقال برق و گاز میان ایران، ارمنستان و آذربایجان در معرض حملات خرابکارانه و تهدیدهای امنیتی قرار

سر مقاله

کریدور زنگزور؛ پیچیده‌تر از یک مسیر

طرح نو؛ سردبیر

کریدور زنگزور، موضوعی که سال‌هاست مطرح بوده، اخیراً با تحولات جدیدی روبرو شده که آن را از یک پروژه صرفاً زیرساختی فراتر برده و به یک نقطه‌ی کانونی رقابت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل کرده است.

بیابید کمی به عقب برگردیم. ریشه‌های بحث کریدور زنگزور به حدود ۳۴ سال پیش بازمی‌گردد؛ طرحی که هدف اصلی‌اش برقراری یک مسیر ارتباطی مستقیم بین جمهوری آذربایجان و نخجوان از طریق خاک ارمنستان بود. این ایده، از همان ابتدا با حمایت قدرت‌های غربی، به ویژه ایالات متحده و ناتو، همراه بوده است. در مقابل، ایران و روسیه همواره نسبت به این طرح، با دیده تردید نگریسته‌اند. دلیل این تردید، کاملاً پیداست: این کریدور نه تنها می‌تواند موازنه قدرت در منطقه قفقاز جنوبی را تغییر دهد، بلکه می‌تواند دسترسی و نفوذ ایران را در این منطقه حساس محدود کند. سخن از یک مسیر ۴۲ کیلومتری است، اما تبعات آن بسیار فراتر از طول جغرافیایی‌اش است؛ این یک بازی بر سر مسیرهای تجاری، ارتباطات منطقه‌ای و حتی حضور نظامی قدرت‌هاست.

نقطه عطف اخیر در این داستان، جایی است که پای توافق صلح بین ارمنستان و آذربایجان به میان کشیده می‌شود؛ توافقی که گفته می‌شود با وساطت آمریکا و با حضور یا حمایت دونالد ترامپ، صورت گرفته است. شواهدی وجود دارد که ترامپ نه تنها در شکل‌گیری این توافق نقش داشته، بلکه بخش‌هایی از این کریدور را در ارمنستان، برای یک دوره ۹۹ ساله، به یک شرکت آمریکایی واگذار کرده و آن را «مسیر ترامپ» نامیده است. این خبر، گمانه‌زنی‌ها درباره شکل‌گیری یک «کنسرسیوم آمریکایی-تانوتیی» برای مدیریت این کریدور را قوت بخشیده است. برخی منابع حتی به این اشاره دارند که این کنسرسیوم ممکن است کنترل ابعاد وسیع‌تری از جمله مسیرهای زمینی، هوایی و حتی فضایی را در اختیار بگیرد؛ تحولاتی که اگر واقعیت یابد، می‌تواند نقشه ژئوپلیتیکی منطقه را به طور کامل بازتعریف کند.

این تحولات، سایه سنگینی بر منافع و امنیت ملی ایران می‌اندازد. مهم‌ترین نگرانی، قطع شدن مسیرهای ارتباطی حیاتی ایران با ارمنستان است؛ کشوری که همواره به عنوان یک شریک ارتباطی و پل ارتباطی ایران با قفقاز اهمیت داشته است. از دست دادن این مسیر، نه تنها ارتباطات اقتصادی و تجاری ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه نفوذ سیاسی و دیپلماتیک تهران را در منطقه نیز محدود خواهد کرد. علاوه بر این، احتمال استقرار نیروهای نظامی یا زیرساخت‌های امنیتی مرتبط با ناتو در نزدیکی مرزهای ایران، یک نگرانی امنیتی بلندمدت و جدی محسوب می‌شود که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. تاریخچه مقاومت ایران در برابر این پروژه، که آن را «خط قرمز» خود می‌داند، نشان از درک عمیق این تهدیدات دارد. اما آیا در برابر این موج جدید، سیاست‌های فعلی ایران کفایت خواهد کرد؟

در این میان، رفتار روسیه نیز قابل تأمل است. گزارش‌ها حاکی از آن است که این کشور، که در گذشته مانع اصلی اجرایی شدن این کریدور بوده، در حال حاضر در موضعی متغلاانه قرار گرفته و به نظر می‌رسد از تحركات آمریکا غافلگیر شده است. این وضعیت می‌تواند نشانه‌ای از تغییر موازنه قدرت در قفقاز باشد؛ جایی که نفوذ روسیه رو به کاهش و نفوذ آمریکا و ناتو در حال افزایش است. در چنین شرایطی، ایران با چالش حفظ جایگاه خود در منطقه‌ای روبرو است که متحدهان سنتی‌اش (مانند روسیه) شاید نتوانند به همان میزان گذشته از منافع آن دفاع کنند.

این موضوع همچنین می‌تواند پیامدهای غیرمستقیمی برای طرح‌های بزرگتر منطقه‌ای مانند کریدور شمال-جنوب داشته باشد و حتی بر مسیرهای تجاری چین به اروپا تأثیر بگذارد. در چنین فضایی، این سوال مطرح می‌شود که آیا رویکرد ایران باید به سمت همکاری (هرچند دشوار) با کنسرسیوم جدید باشد تا از انزوا و از دست دادن کامل اهرم فشار جلوگیری کند، یا بر مقاومت سرسختانه خود اصرار ورزد؟

در نهایت، کریدور زنگزور بیش از آنکه پروژه‌ای برای تسهیل حمل و نقل باشد، به نمادی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی در قفقاز تبدیل شده است. تحولات اخیر نشان می‌دهد که این رقابت‌ها وارد فاز جدیدی شده و ایران در مرکز توجه این تحولات قرار دارد. این وضعیت، نیازمند یک بازنگری استراتژیک و اتخاذ تدابیر هوشمندانه از سوی تهران است تا بتواند منافع ملی خود را در این معادلات پیچیده حفظ کند و مانع از آن شود که این مسیر جدید، به یک «بن‌بست» استراتژیک برای ایران تبدیل گردد.

سیاست

بررسی نقش ویرانگر استعمار بریتانیا در شرق آسیا:

جنگ تریاک؛ زخم کهنه‌ای بر پیکر چین



جامعه چین رواج یافت. در ابتدا، این تجارت توسط کمپانی هند شرقی بریتانیا به صورت غیرقانونی صورت می‌گرفت، اما با افزایش تقاضا و سودآوری، به یک جریان سازمان‌یافته

تبدیل شد. این تجارت نه تنها ضرر اقتصادی برای چین به همراه داشت (خروج نقره به دلیل خرید تریاک)، بلکه ویرانی اجتماعی و انسانی عظیمی را نیز ایجاد کرد. اعتیاد به تریاک، با شدت گرفتن اعتیاد و پیامدهای مخرب آن، امپراتوری

طرح نو؛ گروه گزارش

دو کشور ترکیه و ایران از برخی جهات خیلی شبیه به هم هستند. که یکی از شباهت‌ها وجود اقوام با خرده فرهنگ‌های مختلف در جغرافیای هر دو کشور است. به عنوان نمونه در ترکیه، کردها همچون ایران بخش زیادی از جمعیت ۸۰ میلیونی این کشور را شامل می‌شوند. این مطلب به قلم امیر هاشمی مقدم، دانشجوی دکترای انسان‌شناسی، مقایسه‌ای تطبیقی میان قانون اساسی دو کشور در نوع برخورد با حقوق اقوام می‌باشد.

جایبایی جمعیت‌های قومی

در ترکیه فرایند جایبایی اقوام و اخراج جمعیت‌های ارمنی، یونانی و... و به جای آن دعوت از ترک‌های حوزه قفقاز، بالکان، بلغارستان، یونان و دیگر کشورها در پیش گرفته شده بود. اورهان پاموک به خوبی این فرایند را در کتاب «استانبول، خاطرات و شهر» توصیف کرده است: «در ابتدای قرن بیستم کمتر از نصف جمعیت شهر [استانبول] مسلمان بودند و بیشتر ساکنان غیرمسلمان را اعیان یونانی‌های بیژانسی تشکیل می‌دادند. پاموک در ادامه شرح می‌دهد که دولت چگونه دست گروه‌های خودسر را باز گذاشت تا همه اقلیت‌ها و یونانی‌ها را غارت کرده و ناچار به ترک این کشور کنند. اما ایران هرگز نه غیرفارس‌ها را از ایران بیرون کردو نه از فارس‌های کشورهای همسایه‌ای چون افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ... دعوت به عمل آورد.

حمایت از هم‌زبانان در کشورهای دیگر در حالی‌که ترکیه همیشه نسبت به ترک‌های دیگر کشورها حساسیت نشان داده و از آن ها حمایت‌های آشکار می‌کند (حمایت از اوغورهای چین و ترکمن‌های سوریه از نمونه‌های اخیر است)، ایران بی‌توجه به فارس زبان‌های دیگر کشورها بود. برای نمونه در سال ۱۳۱۵ که زبان ملی در افغانستان –که مهد زبان فارسی در دوره پس از اسلام بود– پشتو شد، رضاشاه واکنشی نشان نداد؛ در سال ۱۳۲۳ که نام زبان فارسی در آن کشور به «دری» تغییر یافت تا بین فارس‌زبان‌های دو سوی مرز فاصله بیفتد، محمدرضاشاه واکنشی نشان نداد؛ و پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای آسیای میانه که ترکیه به کشورهایی همچون ترکمنستان و آذربایجان یاری رساند تا خط ترکی را جایگزین سیریلیک کنند، ایران برای تغییر خط در تاجیکستان کوششی به عمل نیآورد.

آموزش، ترویج و توسعه زبان ملی

در حالی‌که دولت ترکیه تلاش زیادی برای

طرح نو بررسی می کند:

مقایسه‌ی حقوق اقوام در ایران و ترکیه



که منجر به سلسله شورش‌های کردها از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۹ گردید و این کشور برای سال‌ها، کردها را «ترک‌کوهی» می‌خواند. ازبکستان هم تاجیک (فارس)‌های این کشور را (به‌ویژه در شهرهایی چون سمرقند و بخارا) برای سال‌ها ازبک می‌خواند و به آن ها برای قید قومیت ازبک در شناسنامه‌هایشان فشار می آورد. اما ایران هویت اقوام مختلف این سرزمین را تکذیب نکرده و برعکس، در ادبیات رسمی و غیررسمی به آن اشاره دارد.

فشارهای آشکار برای تغییر زبان

در ترکیه فشارهای اجتماعی برای ترکی حروف زدن کردها، یونانی‌ها (تا پیش از اخراج) و دیگر اقوام انجام می‌گرفت. برای نمونه در سده بیستم در استانبول که تا حدودپنج سده پیش مرکز بیژانسی بود، به قول پاموک با هشدارهای گاهگاهی «ترکی صحبت کنبد» یونانی‌ها را می‌ترساندند و در شهرهای سمرقند و بخارا که در درازای تاریخ جزو پایگاه‌های اصلی زبان و ادب فارسی بوده و به زور حکومت شوروی از تاجیکستان جدا و به ازبکستان ملحق شدند، سخن گفتن به زبان فارسی که زبان مردمان آنجا بود، مستحق جریمه مادی می‌شد. اما در ایران کسی را به خاطر سخن گفتن به زبان مادری‌اش تحت فشار قرار نداده و نمی‌دهند.

اگرچه در ایران زبان‌های دیگر نفی نمی‌شود، اما تاکنون تلاش منسجمی برای حمایت از آنها نیز نشده بودو این، علیرغم اشاره اصل ۱۵ قانون اساسی است که در آن آمده است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسنادو مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد. ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات

و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاداست».

تغییر نام کشورها

از همه مهم‌تر اینکه، آتاترک در حالی نام سرزمین تحت حکومتش را به ترکیه (برگرفته از نام قوم ترک) تغییر دادکه روزگاری محل امپراتوری «روم شرقی» بودو پس از استقرار ترکان و به دست گرفتن قدرت، سرزمین‌های عثمانی نامیده شده بودو همچنان جمعیت بسیار زیادی از کردها، یونانی‌ها، ارمنی‌ها و ... را در دل خودداشت. اما ایران که بیش از دو هزار و پانصد سال در دنیا به نام «پرشیا» شناخته می‌شود، به دستور رضاشاه به «ایران» (که از دوره ساسانی و به‌ویژه سلجوقی کاربردداخلی یافت) تغییر یافت تا صرفاً به نام یک قوم نباشد.

نقدس قومی

در حالی‌که در ماده ۳۰۱ قانون کیفری ترکیه هرگونه توهین به روح ترک‌بودن را جرم و مستحق مجازات می‌دانند و هر نوع انتقادی به زبان، تاریخ یا بزرگان ترک با واکنش تند دولت و مردم روبرو می‌شود، در ایران نه تنها انتقاداز زبان فارسی و فارس‌زبانان آزاداست، بلکه [دیده] شده که گاه‌ا کتابهایی منتشر می‌شودکه از نام‌های دیگر در مقابل نام تاریخی «خلیج‌فارس» دفاع کرده است. هر کدام از این موارداگر در ترکیه رخ می‌داد، مصداق زیر پا گذاشتن همان ماده ۳۰۱ قانون کیفری بودو با مجازات روبرو می‌شد.

همچنین در حالی‌که در ایران نمایندگان در «پیشگاه ملت ایران» سوگند یادمی‌کنند، در ترکیه باید بدون توجه به حضور تاریخی اقوام دیگر، در «پیشگاه ملت ترک» (و نه ملت ترکیه) سوگند بخورند و چنانچه نمایندهای (برای نمونه از کردها) در برابر ملت ترکیه سوگند بخورد، اعتبارنامه‌اش را نمی‌پذیرند (همچون لایلا زانا که سوگندنامه‌اش ابطال شد).

فرجام سخن

بیان چنین مواردی بین ایران و ترکیه می‌تواند بسیار مفصل‌تر از مواردی‌باشده در بالا باشد که نیازی به اشاره به همه‌شان نیست. هدف پیش از آنکه نقد و داوری این سیاست‌ها باشد، مقایسه تساهل و تسامح قومی و زبانی در ایران با ترکیه بود. این‌ها به معنای نادیده گرفتن پیشرفتهای ترکیه در دیگر زمینه‌ها (همچون توسعه اقتصادی، دموکراسی و سیاسی، اقتصادی، شهرسازی، گردشگری) نیست و نیازی به بازگویی نداردکه در چندین مورد، ترکیه جلوتر از ایران است.



خارجی باز شدند و حق کاپیتولاسیون (مصونیت قضایی برای اتباع خارجی) برای بریتانیا به رسمیت شناخته شد.

پرداخت غرامت: چین مجبور شد غرامت سنگینی به بریتانیا بپردازد.

اما این پایان ماجرا نبود. بریتانیا و دیگر قدرت‌های غربی، که طعم سود و نفوذ را چشیده بودند، به دنبال گسترش این منافع بودند. در سال ۱۸۵۶، با بهانه‌هایی جدید، جنگ دوم تریاک (۱۸۵۶–۱۸۶۰) آغاز شد که این بار با مشارکت فرانسه نیز همراه بود. نتیجه این جنگ نیز مانند جنگ اول، پیروزی قاطع قدرت‌های غربی و تحمیل معاهدات نابرابر بیشتری بر چین بود که به «معاهدات تیان‌چین» و «کنوانسیون پکن» منجر شد. این معاهدات، تجارت تریاک را قانونی کرد و پای خارجی‌ها را بیش از پیش به خاک چین باز کرد.

میراث ماندگار: زخمی که هرگز التیام نیافت

جنگ‌های تریاک، ضربه‌ای مهلک بر پیکر جامعه چین وارد کرد. این جنگ‌ها نه تنها آغازگر دوره‌ای طولانی از تحقیر ملی و نفوذ خارجی در چین بود – که به قرن تحقیر معروف شد – بلکه جامعه چین را در باتلاق اعتیاد فرو برد که سال‌ها طول کشید تا آن از رهایی یابد. صدها هزار نفر در این جنگ‌ها کشته شدند و میلیون‌ها نفر دیگر درگیر اعتیاد ویرانگر تریاک شدند.

آنچه جنگ تریاک را به یکی از عجیب‌ترین جنگ‌های تاریخ تبدیل می‌کند، هدف اصلی آن است: استفاده از یک ماده مخدر به عنوان ابزار اصلی سلطه و سوداگری. این جنگ، نمونه‌ای بارز از اوج بی‌رحمی و فرصت‌طلبی استعماری بود که در آن، سودآوری یک تجارت غیرانسانی، بر جان و سلامت یک ملت ترجیح داده شد. این زخم، تا به امروز نیز بر حافظه تاریخی چین باقی مانده و یادآور دوران تلخی است که استعمار، با ظاهری فریبنده و ابزاری ویرانگر، به ملت‌ها هجوم برد.

رسم مهرنگاهی به تاریخچه همیاری و نیکوکاری در ایران و آذربایجان؛ از سنت‌های دیرینه تا مؤسسات مدرن خیریه



طرح نو؛ جمشید پوراسمعیل نیازی

بخش اول

چکیده:نیکوکاری به‌مثابه یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌های اجتماعی، همواره در تاریخ فرهنگی و دینی مردم آذربایجان جایگاهی ریشه‌دار و ماندگار داشته است. این مقاله با رویکرد توصیفی –تاریخی، به بررسی تطوّر سنت نیکوکاری و همیاری اجتماعی در آذربایجان، از سده‌های پیشین تا دوران معاصر می‌پردازد. از بررسی اسناد تاریخی چون وقف‌نامه‌ها، متون جغرافیایی و منابع مکتوب دوره صفویه و قاجاریه، چنین برمی‌آید که نهادهای دینی مانند مساجد، خانقاه‌ها و تکایا، در کنار کنش‌های فردی خیرین، نقشی محوری در تأمین نیازهای طبقات آسیب‌پذیر جامعه ایفا کرده‌اند. در دوره صفوی، با تمرکز بر طریقت صفوی در اردبیل و تبریز، ساختار نیکوکاری به‌صورت نظام‌مند و سازمان‌یافته در قالب موقوفات عام‌المنفعه توسعه یافت و سپس در عصر قاجار با گسترش شهرنشینی و رشد طبقه تجار، الگوهای نوینی از نیکوکاری شهری پدید آمد.

با ورود به دوره پهلوی و تأثیرپذیری از سیاست‌های نوسازی و نهادسازی، بستری برای شکل‌گیری انجمن‌ها و مؤسسات خیریه با ساختارهای نیمه‌رسمی فراهم شد که در حوزه‌هایی چون آموزش، بهداشت و حمایت اجتماعی فعال بودند. در چند دهه اخیر، نیز نیکوکاری سنتی در آذربایجان با مؤسسات مدرن دارای ساختار حقوقی، شفافیت مالی و بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال تلفیق شده است. این مؤسسات، که با مشارکت نیکوکاران مردمی، متخصصان و داوطلبان اداره می‌شوند، به نیازهای نوظهور از جمله درمان بیماری‌های صعب‌العلاج، حمایت روانی، و آسیب‌های اجتماعی پاسخ داده‌اند.

در این میان، مؤسسه خیریه پژواک تبریز به‌عنوان نمونه‌ای برجسته از تلفیق سنت و نوگرایی، توانسته است با تمرکز بر حمایت از بیماران سرطانی، سازوکاری کارآمد، شفاف و مشارکت‌محور را در عرصه نیکوکاری اجتماعی در منطقه به نمایش بگذارد. این مطالعه موردی نشان می‌دهد که نیکوکاری در آذربایجان نه یک پدیده صرفاً مذهبی یا خیریه‌ای، بلکه بخشی از حافظه فرهنگی و راهبرد اجتماعی این جامعه در مواجهه با رنج و نیاز است. کلیدواژه‌ها: نیکوکاری، آذربایجان، وقف، خیریه، مؤسسه پژواک، صفویه، قاجاریه، تبریز.

مقدمه: نیکوکاری همواره یکی از پایه‌های هویت فرهنگی، دینی

و اخلاقی مردم آذربایجان به شمار آمده و در گذر زمان، به عنوان یک سنت نهادینه، نقش مهمی در سامان‌دهی روابط اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر ایفا کرده است. این ویژگی نه‌تنها در بستر آموزه‌های دینی اسلام شکل گرفته، بلکه در فرهنگ شفاهی، اشعار محلی، ضرب‌المثل‌ها و سنت‌های خانوادگی نیز نمود یافته است. در افق فرهنگی این منطقه، کمک به نیازمندان، حمایت از بیماران، اطعام گرسنگان، تأمین چهریزه نوع‌روسان، ساخت حمام عمومی، آبنابار، مدرسه و درمانگاه نه فقط وظیفه‌ای مذهبی، بلکه نوعی افتخار اجتماعی و نماد منزلت شخصی و خانوادگی به‌شمار می‌آمد.

سنت نیکوکاری در آذربایجان از دیرباز در قالب‌های مختلفی بروز یافته است؛ از جمله وقف زمین و دارایی، برپایی مجالس اطعام، پشتیبانی از کاروان‌ها و زائران، و تشکیل انجمن‌های مردمی. این الگوها، که ابتدا از دل خانواده‌ها و محلات برخاسته بودند، در دوره‌هایی مانند صفویه و قاجار به نهادهایی با ساختار پیچیده‌تر و فراگیرتر تبدیل شدند. رسول جعفریان در بررسی نهاد وقف در ایران صفوی، ضمن اشاره به گستردگی آن در آذربایجان، می‌نویسد: «وقف به عنوان ابزاری برای نهادینه‌کردن نیکوکاری، نه‌تنها در خدمت نیازمندان، بلکه در جهت تثبیت ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز به کار گرفته می‌شد» (جعفریان، ۱۳۸۲: ص ۷۴).

از این منظر، مطالعه‌ی سیر تحول نیکوکاری در آذربایجان، نه فقط به بازشناسی الگوهای گذشته کمک می‌کند، بلکه ما را با چگونگی سازگاری و تداوم این سنت‌ها در دل تحولات نهادی، سیاسی و اقتصادی معاصر نیز آشنا می‌سازد. نیکوکاری در آذربایجان، با وجود دگرگونی‌های ساختاری، همچنان به حیات خود ادامه داده و در قالب مؤسسات خیریه مدرن، شکل تازه‌ای از سازمان‌دهی اجتماعی را تجربه می‌کند.

نیکوکاری و همیاری در آذربایجان پیش از اسلام

اگرچه نظام حقوقی «وقف» به‌شکل نهادی و مدوّن، پس از ورود اسلام و در چارچوب فقه اسلامی پدید آمد، اما شواهد متعددی از منابع تاریخی، متون دینی زرتشتی و یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که مفاهیم بنیادی نیکوکاری، انفاق، همیاری اجتماعی، نذر و ایجاد تأسیسات عام‌المنفعه در فرهنگ‌های بومی و دینی مردم آذربایجان در دوران پیش از اسلام نیز رواج داشته است. در دین زرتشتی، که آیین رسمی ایران‌زمین پیش از اسلام بود، کمک به نیازمندان، درمان بیماران، غذا دادن به گرسنگان، ساختن قنات راه، و حتی نگهداری از سالخوردگان و دفن بی‌کسان، نه تنها فضیلتی اخلاقی بلکه وظیفه‌ای دینی تلقی می‌شد. اصطلاحاتی چون «اهوناوَتی» به‌معنای نیک‌رفتاری و مفاهیمی نظیر «کردار نیک» و «دادگری» در اوستا، بستر فرهنگی و دینی‌ای فراهم می‌کردند که مردم را به انجام اعمال عام‌المنفعه تشویق می‌نمود. علاوه بر این، سنت نذر – به‌ویژه به شکل ساختن بناهای دینی، تأمین آب، یا نان‌دهی به مستمندان – در میان زرتشتیان و در نواحی شهری و روستایی آذربایجان رایج بوده و در متون پهلوی و آثار باستانی مربوط به دوره‌های اشکانی و ساسانی نیز بازتاب یافته است. بنابراین، می‌توان گفت که هرچند مفهوم وقف در

ساختار اسلامی معنا یافت، اما ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی آن، در قالب‌های بومی و دینی پیشین، در تمدن‌های ایران باستان و به‌ویژه در منطقه آذربایجان وجود داشته و مسیر نهادینه‌شدن آن را در دوره اسلامی هموار ساخته است.

نیکوکاری و همیاری اجتماعی در ساختار دینی زرتشتی و ایران پیش از اسلام

در ساختار دینی زرتشتی، که دین رسمی شاهنشاهی ساسانی بود و ریشه‌های آن به هزاران سال پیش در فرهنگ اقوام آریایی و بومیان ایران‌زمین بازمی‌گردد، مفهوم اخلاق اجتماعی با آموزه‌هایی عمیق و الزام‌آور تعریف می‌شد. بنیاد این اخلاق را آموزه‌ی معروف «پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک» شکل می‌داد که نه‌فقط به رفتار فردی، بلکه به مسئولیت اجتماعی انسان در برابر دیگران و طبیعت اشاره داشت.

در میان آموزه‌های اوستایی، واژه‌ی اهوناوَتی (Ahunavaiti)، که به «نیکی مطلق» یا «خواست و اراده‌ی نیک اهورامزدا» ترجمه می‌شود، ریشه‌ی بیشن نیکوکاری و خدمت به خلق بود. در این نگرش، نیکی با کنش‌های عینی اجتماعی تعریف می‌شد: از یاری به نیازمندان گرفته تا حمایت از کهنسالان، پرستاری از بیماران، ساخت راه‌ها و قنوتات، و حتی رسیدگی به مردگان بی‌کس.

چنان‌که در ونیدباد (یکی از بخش‌های حقوقی و آیینی اوستا) آمده است: «کسی که بیمار را شفا دهد، گرسنه را سیر کند، و تن بی‌جان را با آیین به خاک سپارد، از پیروان راه درست و اهل اشا (راستی) است.»(وندیباد، فرگرد ۷، بندهای ۴۵۲۹۹).

همچنین، در یسنا، بخش نیایشی اوستا، تأکید شده که انسان نیک باید برای آبادانی زمین و رفاه مردم بکوشد، و از هرگونه خودخواهی یا انزواطلبی پرهیز کند.(یسنا ۳۱، بندهای ۹ و ۱۱). یافته‌های باستان‌شناسی از دوره هخامنشی و اشکانی نیز وجود نوعی «زَین‌نذر» یا کمک به معابد و نهادهای آیینی را تأیید می‌کند؛ امری که نوعی «نذر همگانی» تلقی می‌شده است. برای نمونه، در الواح گلی تخت‌جمشید از دوران داریوش بزرگ، ثبت پرداخت‌هایی دیده می‌شود که برای ساخت انبارهای عمومی، آبراهه‌ها و توزیع آذوقه در زمان خشکسالی اختصاص یافته است.(هیتنس، ۱۳۸۲: p. ۸۵–۸۹).

از منظر تاریخی، ساختار اجتماعی-دینی جامعه زرتشتی براساس مفهومی به نام «اَشَوَن»(پرو راستی) شکل گرفته بود. «اَشَوَنان» تنها اهل دعا و نیایش نبودند، بلکه «نیکوکاری» و «خدمت» از ارکان اصلی دینداری آنان بود. متون پهلوی، از جمله «دینکرد» و «شایست ناشایست»، نیز با صراحت به وظیفه افراد در مراقبت از تهدیدستان و حمایت از یتیمان و بی‌سرپرستان اشاره دارند.(بهار، ۱۳۸۰: ص ۱۱۲).

بنابراین، اگرچه ساختار فقهی و حقوقی «وقف» در معنای اسلامی آن در دوران پس از فتوحات اسلامی نهادینه شد، اما مفاهیم بنیادین آن – یعنی انفاق، وقف منافع، نذر جمعی، و تأمین منابع پایدار برای رفع نیاز عمومی – در جامعه پیشاسلامی ایران، و به‌ویژه در دین زرتشتی، نه‌تنها وجود داشته، بلکه به‌شکل نظام‌مند در قالب احکام دینی و آیینی تشویق و سامان‌دهی می‌شده است.

اختصاص منابع عمومی برای ساخت انبار، برپایی آیین‌های عمومی و توزیع غله در زمان قحطی ارائه می‌دهند.(هیتنس، ۱۳۸۲: ص ۹۲۵/۸۵) گرچه این اسناد متعلق به جنوب ایران‌اند، اما نشان‌دهنده الگوی گسترده‌ای از کمک‌های عمومی و دینی در سراسر شاهنشاهی هخامنشی‌اند، که آذربایجان نیز بخشی از آن بود.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که نذر و خدمات عام‌المنفعه با رویکردی دینی، یکی از اجزای اصلی فرهنگ اجتماعی مردم آذربایجان در روزگار باستان بوده است. ساخت تأسیسات زیرساختی با نیت دینی، حمایت از کاهنان و نیازمندان، و فراهم‌سازی منابع پایدار برای آیین‌های دینی، جایگاه نذر را در سنت دیرپای نیکوکاری این منطقه تثبیت کرده است؛ سنتی که بعدها در قالب وقف اسلامی تداوم یافت و نهادینه شد.

حمایت اجتماعی و نقش طبقات ممتاز در عصر اشکانی و ساسانی

در نظام اجتماعی ایران پیش از اسلام، به‌ویژه در دوره‌های اشکانی و ساسانی، طبقات ممتاز جامعه همچون دهقانان (اشراف زمین‌دار)، موبدان بزرگ (روحانیان بلندپایه زرتشتی)، و ساتراپ‌ها (فرمانداران محلی)، نقشی مؤثر در تأمین نیازهای عمومی و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی ایفا می‌کردند. این نقش‌آفرینی، که در چارچوب وظایف دینی، منزلت اجتماعی و حتی رقابت سیاسی میان نخبگان معنا می‌یافت، در قالب‌هایی چون ساخت تأسیسات عمومی، مدارس دینی، درمانگاه‌های ابتدایی (به‌ویژه برای موبدان و سپاهیان)، و بهسازی راه‌ها و پل‌ها نمود داشت.

اگرچه این اقدامات در قالب نهادی و حقوقی «وقف» به معنای اسلامی آن تعریف نمی‌شدند، اما از منظر جامعه‌شناختی، می‌توان آن‌ها را نوعی «خیر عمومی سازمان‌یافته» دانست که از سوی نخبگان برای کسب مشروعیت دینی، شهرت اجتماعی یا تقرّب به ایزدان زرتشتی صورت می‌گرفت.

شواهد متنی و اسنادی

در متون پهلوی، به‌ویژه در رساله‌های دینی مانند «دینکرد»، «شایست ناشایست» و «ماتیکان هزار داستان»، اشاراتی به وظایف اخلاقی و اجتماعی اشراف و روحانیون در قبال مردم آمده است. در «دینکرد»، بر فضیلت «بخشش دارایی برای امور آتشکده، آموزش دین، و یاری به ناتوانان» تأکید شده است. (دینکرد، جلد ۳، بند ۳۲) همچنین، در بخش‌هایی از «وندیباد»، نقش خیرخواهان‌ی صاحبان آن‌ها (مصلحان) و وظیفه‌ی اخلاقی رسیدگی به بیماران و تغذیه‌ی گرسنگان، در شهرها آتش افروختم، دینداران دانسته شده است، به‌ویژه کسانی که «دست در کار دین دارند و از توان مالی برخوردارند.

برخی کتیبه‌های ساسانی، از جمله «کتیبه کرتیر» (روحانی بلندپایه عصر شاپور اول و دوم)، به روشنی از ساخت نیایشگاه، آبنابار، پل، و پرداخت مواجب به موبدان در سراسر امپراتوری یاد می‌کنند. «کرتیر» در کتیبه خود بر صخره‌ی نقش‌رستم می‌نویسد: «من، کرتیر، که دادار اورمزد را استودم، در شهرها آتش افروختم، برای آن‌ها نیایشگاه ساختم، و راه‌ها را بهبود بخشیدم.(p.۴۲ Gignoux ۱۹۹۱)

همچنین در برخی مهرهای ساسانی – که غالباً برای مُهر کردن اسناد اقتصادی و اداری به‌کار می‌رفتند – واژگانی چون «دانا»، «روشن‌نهاد» یا «بهرام بخشنده» مشاهده شده که نشان‌دهنده‌ی نقش خیرخواهان‌ی صاحبان آن‌ها است.(p.۱۳۷، ۲۰۰۴: p. ۳۰۴ Shaked) واژه‌ی «دنگان روشن‌نهاد»، که در چند متن پهلوی آمده است، به‌منظر می‌رسد به افرادی اطلاق می‌شده که دارایی خود را در راه اهداف دینی یا اجتماعی صرف کرده و در حافظه‌ی جمعی جامعه به نیک‌نامی شناخته می‌شدند.

ادامه دارد...

نذر و تأسیسات عام‌المنفعه در آذربایجان پیش از اسلام

مفهوم نذر به‌مثابه یک کنش آیینی – اجتماعی، در ایران باستان ریشه‌دار بوده و جلوه‌های متنوعی در آیین‌های دینی، مناسک زرتشتی، و زندگی روزمره مردم داشته است. گرچه ساختار حقوقی «وقف» به معنای متأخر آن تنها در دوره اسلامی شکل نهادی پیدا کرد، اما صورت‌هایی از بخشش آیینی، نذر همگانی و تأسیسات عام‌المنفعه با مقاصد دینی و اجتماعی، در سنت‌های زرتشتی و ساختارهای پیشامدرن جامعه ایرانی وجود داشته است.

در زبان پهلوی، برای نذر و بخشش مقدس گاه از واژه‌هایی چون «پَته» یا «بَخْشِش» یاد می‌شود. این نذر‌ها معمولاً با اهدافی چون طلب تندرستی، پیروزی در نبرد، دفع بلا، شکرگزاری از ایزدان یا آمرزش گناهان انجام می‌شدند. بخشی از نذر‌ها در قالب کارهای عمرانی و خدمات عمومی تجلی می‌یافت. شواهد متنی و باستان‌شناسی از ساخت تأسیسات عمومی به نیت نذر در مناطق مختلف ایران خصوصاً آذربایجان به واسطه آتشکده‌های موجود در این دیار حکایت دارد. این تأسیسات شامل: ساخت پل‌ها و قنوتات برای تسهیل تردد و کشاورزی؛ ایجاد آبنابرها و ساباط‌ها برای رفاه عمومی در شهرهای گرمسیر؛

ساخت آتشکده‌ها یا نیایشگاه‌هایی در مناطق دورافتاده؛ توزیع خوراک و لباس میان نیازمندان، درویشان، و موبدان؛ اختصاص سهمی از درآمد یا محصولات کشاورزی برای آیین‌های دینی یا رفع نیاز فقرا.

در منطقه آذربایجان، که از لحاظ جغرافیایی و فرهنگی یکی از مراکز مهم ایران باستان و قلمرو دین زرتشتی به‌شمار می‌رفت، شواهدی از وجود این سنت‌ها به‌ویژه در پیرامون آتشکده‌های بزرگ مانند «آذَرگُشَسَنسَب» در شیز/تخت‌سلیمان به دست آمده است. این آتشکده، که یکی از سه آتش مقدس سراسری در آیین زرتشتی (همراه با آتشکده «آذَربرزین مهر» و «آذَر فرنیغ») بود، نه‌تنها کارکردی دینی، بلکه نقش اجتماعی گسترده‌ای نیز ایفا می‌کرد. بر پایه منابع پهلوی، هزینه نگهداری این آتشکده، از طریق نذر امرا، درآمد اراضی وقفی‌گونه و کمک‌های مردمی تأمین می‌شد.(رضی، ۱۳۸۱: ص ۹۳؛ کریستن‌سن، ۱۳۶۴: ص ۲۳۱)

باستان‌شناسانی چون اشپیگل و هرزوغ، که در قرن بیستم مطالعات میدانی در غرب آذربایجان انجام داده‌اند، از سازه‌هایی در اطراف شیز (تخت‌سلیمان کنونی) و در حاشیه مسیرهای کاروانی خبر می‌دهند که به‌زمم آنان کارکردی «شبه‌وقفی» داشته‌اند. اشپیگل در یکی از گزارش‌های خود می‌نویسد: «بر اساس پلان، جهت‌گیری، و بقایای کتیبه‌های حجاری‌شده، به‌نظر می‌رسد این بنا‌ها به نیت استفاده عمومی ساخته شده و اغلب به معابد یا مراکز آیینی متصل بوده‌اند». کاربرد واژه‌هایی معادل «بخشش» یا «نذر» در سنگ‌نوشته‌ها تأییدکننده این فرض است. (p.۱۰۸، Spiegel ۱۹۷۵)

در کنار الواح اداری و حسابداری هخامنشی که از تخت‌جمشید به‌دست آمده‌اند (لوح‌های خزانه)، نمونه‌های مشخصی از

حدود ۲۰ هزار دانشجو، به یکی از مراکز اصلی تولید علم و پژوهش در کشور تبدیل شده است.

جایگاه دانشگاه تبریز در رتبه‌بندی‌های ملی و بین‌المللی، گواه پویایی و توانمندی علمی آن است. این دانشگاه همواره در میان دانشگاه‌های برتر ایران قرار داشته و در برخی رشته‌های تخصصی، جایگاه ممتازی را به خود اختصاص داده است.

علاوه بر این، ارتباطات علمی گسترده با دانشگاه‌های معتبر داخلی و خارجی، برگزاری کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی و انتشار مقالات علمی در مجلات معتبر جهانی، نشان‌دهنده نقش فعال دانشگاه تبریز در شبکه‌های علمی بین‌المللی است.

پیشرو در نوآوری و توسعه

نقش دانشگاه تبریز در گسترش علم و دانش در ایران و منطقه شمال غرب، چندوجهی و حائز اهمیت است:

۱- تربیت نیروی انسانی متخصص: دانشگاه تبریز با تربیت هزاران فارغ‌التحصیل در رشته‌های مختلف، نیازهای علمی و تخصصی منطقه و کشور را در حوزه‌هایی چون مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی، کشاورزی، پزشکی و هنر تأمین کرده است. این فارغ‌التحصیلان، نقش کلیدی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ایفا می‌کنند.

۲- پیشبرد تحقیقات علمی: اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز، با انجام تحقیقات پیشرفته و انتشار نتایج آن در قالب



مرکزی دانشگاهی با ابعادی فراتر از مرزها

امروزه، دانشگاه تبریز با بیش از بیست دانشکده و پژوهشکده فعال، در بیش از ۱۰۰ رشته در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشجو می‌پذیرد. این دانشگاه با بهره‌گیری از بیش از ۷۰۰ عضو هیئت علمی مجرب و

طرح نو؛ سردبیر دانشگاه تبریز، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و پرافتخارترین مراکز آموزش عالی ایران، نقشی بی‌بدیل در اعتلای علم و دانش در گستره ایران، به ویژه در منطقه شمال غرب کشور، ایفا کرده است. این دانشگاه، با پیشینه‌ای غنی و جایگاهی رفیع در نظام علمی کشور، همواره کانون پرورش نخبگان، پیشبرد تحقیقات بنیادین و ارائه راه‌حل‌های علمی برای چالش‌های جامعه بوده است.

تولدی در دل تاریخ

ریشه‌های تأسیس دانشگاه تبریز به سال ۱۳۲۵ هجری شمسی بازمی‌گردد؛ دورانی که پس از سال‌ها تلاش و پیگیری، این مرکز علمی با نام «دانشسرای عالی تبریز» پایه‌گذاری شد. در ابتدا، این دانشگاه با هدف تربیت معلمان و کادر آموزشی برای مدارس منطقه تأسیس شد و در سال ۱۳۳۴، با ارتقاء به «دانشگاه تبریز»، دایره فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود را گسترش داد. این تحول، گامی مهم در جهت توسعه آموزش عالی در شمال غرب کشور محسوب می‌شد و بستری را برای رشد و شکوفایی علمی در این منطقه فراهم آورد.

با گذشت زمان، دانشگاه تبریز شاهد گسترش چشمگیر در ابعاد کمی و کیفی بود. تأسیس دانشکده‌های متعدد

شعر

سروده‌ای به مناسبت درگذشت مرحوم استاد محمود فرشچیان؛

خط یاقوتی و هر روز گران خواهی شد



خط یاقوتی و هر روز گران خواهی شد

مینیاتور غم فرشچیان خواهی شد

بر سر سفره ارباب کرامت بنشین

که نمک گیر همین لقمه نان خواهی شد

مثل یک چشمه به دریای عطش خواهی ریخت

مثل یک رود سراسیمه روان خواهی شد

جلوه و جمعیت باغ رهین هرس است

تیغ اگر سر ببرد از تو جوان خواهی شد

روی زیبای تو چون ماه شب چارده است

چلچراغ شب این لاله ستان خواهی شد

از بیابان عطش تشنه گذر خواهی کرد

خضر خواهی شد بوی نام و نشان خواهی شد

معجز موسوی ار دست نگیرد از تو

در هنر آلت دست دگران خواهی شد

آخرین وادی پیداشدگان گم شدگی ست

مثل آیینه در آیینه نهان خواهی شد

چون شب قدر چراغ رمضان باش و بسوز

یک سحر تابلوی فرشچیان خواهی شد

شاعر: علیرضا قزوه

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

نماینده ولی‌فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز با صدور پیام تبریک به مناسبت روز خبرنگار، گفت: خبرنگار، پاسدار امانت مردم و دیده‌بان بیدار انقلاب است.

در پیام تبریک حجت الاسلام والمسلمین احمد مطهری اصل که روز یکشنبه صادر شد، آمده است: روز خبرنگار، یادآور رسالت خطیری است که صاحبان قلم و اندیشه در پاسداری از حقیقت و حراست از وجدان بیدار جامعه بر دوش دارند. خبرنگار، صرف انتقال‌دهنده خبر نیست، بلکه پاسدار امانت مردم و دیده‌بان بیدار انقلاب بوده و کسی که با صداقت، شجاعت و تعهد، در میان غبار فتنه‌ها چراغ حقیقت را فروزان نگاه می‌دارد.

وی ادامه داد: در شرایطی که جهان امروز، عرصه‌ی پیچیده و بی‌امان جنگ روایت‌هاست، خبرنگاران متعهد در خط مقدم جبهه‌ای بی‌صدا اما بسیار سرنوشت‌ساز قرار گرفته‌اند.

وی افزود: جنگ نرم، عرصه‌ای است که دشمنان با تحریف، شایعه و بمباران اطلاعاتی می‌کوشند ذهن و دل ملت‌ها را تسخیر کنند و در چنین میدان

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

دبیرکل کنگره جهانی بزرگداشت یکصد و بیستمین سالگرد استاد شهریار گفت: استاد شهریار، با تسلط بر زبان‌های فارسی و ترکی، یکی از شاعران برجسته ایران است.

علی‌اصغر شعردوست در جلسه کمیته علمی این کنگره گفت: استاد شهریار، با تسلط بر زبان‌های فارسی و ترکی، یکی از شاعران برجسته ایران است که آثارش به بیش از ۹۰ زبان دنیا ترجمه شده و می‌تواند نمادی از همبستگی فرهنگی و ادبی در کشور باشد.

وی افزود: در دیدار میهمانان داخلی و خارجی کنگره با رهبر معظم انقلاب، ایشان استاد شهریار را شاعر حکیم ایران خواندند و بر جایگاه والای او در ادبیات فارسی تأکید کردند.

شعردوست درباره نامگذاری ۲۷ شهریور به عنوان «روز ملی شعر و ادب فارسی» اظهار داشت: این

نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی:

خبرنگار، پاسدار امانت مردم و دیده‌بان بیدار انقلاب است

همان رزمندگان خط مقدم جبهه آگاهی هستند که با ثبت واقعت‌ها، شکستن حصار سانسور و رساندن صدای مظلومان به جهان، در کنار مقاومت ایستادند و وجدان‌های بیدار را در سراسر عالم به یاری حق فراخواندند.

وی افزود: خبرنگار در بحران‌ها و حوادث، از جمله سیل، زلزله، جنگ و فتنه، مأموریت دارد که چشم بینا و زبان گویای مردم و پیام‌آور امید، هشداردهنده در برابر خطرها، و بازتاب‌دهنده‌ی دردها و نیازهای جامعه باشد.

وی با گرامیداشت یاد و خاطره همه خبرنگاران شهید به‌ویژه شهید محمود صارمی، و تجلیل از خبرنگاران متعهد آذربایجان شرقی و سراسر کشور، تأکید کرد: امروز بیش از هر زمان، کشور به قلم‌های آگاه، بیان‌های صادق و نگاه‌های روشن نیاز دارد.

وی گفت: توفیق شما عزیزان را در پاسداری از حقیقت و تقویت جبهه فرهنگی انقلاب، تحت عنایات حضرت ولی‌عصر (عج) و هدایت‌های حکیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت امام خامنه ای عزیز (مدظله‌العالی)، از خداوند منان مسئلت دارم.



اخیر، از جمله جنگ ۱۲ روزه، با رژیم غاصب صهیونیستی، بار دیگر نشان داد که حقیقت، در محاصره تحریف و سانسور رسانه‌های استکباری است و در این میدان، خبرنگاران آزاده و حقیقت‌جو،

خطیری، رسالت خبرنگار مؤمن و انقلابی، جهاد تبیین و روشنگری است؛ جهادی که کمتر از جهاد رزمندگان در میدان‌های نبرد سخت نیست.

در ادامه پیام مطهری اصل آمده است: رخدادهای

نامگذاری با هدف پاسداشت جایگاه استاد شهریار در ادبیات فارسی انجام شده و تلاش می‌شود این روز به فرصتی برای گرامیداشت ادبیات و فرهنگ ملی تبدیل شود.

در جلسه کمیته علمی، اساتید و پژوهشگران برجسته‌ای از دانشگاه‌های مختلف و فرهنگستان زبان فارسی حضور داشتند و نظرات و پیشنهادات خود را درباره محورهای کنگره ارائه دادند. از جمله این پیشنهادات می‌توان به تصحیح و تجدید چاپ دیوان شهریار، بهسازی خانه موزه ومقبره الشعرا تبریز، وبرگزاری برنامه‌های فرهنگی متنوع در شهرهای مختلف اشاره کرد.

دبیرکل کنگره تأکید کرد که برگزاری این کنگره، علاوه بر پاسداشت میراث استاد شهریار، فرصتی برای تقویت پیوندهای فرهنگی و ادبی در سطح ملی است و تلاش می‌شود تا آثار این شاعر بزرگ به بهترین نحو حفظ و معرفی شود. /مهر

نویسنده رمان «طلسم شهر برف»:

نوجوانان امروزی، جسور و به تغییرات اقلیمی حساسند

کارم بیابورم. به‌خصوص چون موضوع، حفاظت از محیط زیست بود و سرزمین ایران در این باره در دوره‌های گوناگون، محافظان مختلفی برای آب و زمین داشته است. خود شخصیت آناهیتا و در دوره‌های قدیم‌تر اپام نپات، خدای آب‌ها، به مدم آمدند. از امشاسپندان که نگهبان جانوران و آب و خاک و... بودند نیز کمک گرفتیم. منتها سعی کردم آن‌ها را زمینی‌تر و باورپذیرتر کنم.

چقدر طول کشید این رمان را بنویسید؟

اگر بگویم دقیق یادم نمی‌آید خیلی بد است؟ بعضی رمان‌ها را دقیق در خاطر دارم. اما این رمان را نه! فکر کنم چند ماه. یک بار هم تغییرات کلی در ساختار رمان دادم که دو سه ماهی طول کشید.

لطفاً چند رمان فانتزی برای نوجوانان که به نظر تان جذاب و باکیفیت است، از نویسندگان ایرانی و خارجی، معرفی کنید.

معرفی کردن رمان خیلی سخت است. چون خیلی وقت‌ها چیزهایی که خوانده‌ام خیلی زود از خاطرم محو می‌شوند. در همین ژانر آخرالزمانی، رمان «دریاچه‌ی آخر دنیا» را به خاطر اینکه جز موضوع آخرالزمانی‌اش به نوعی ساختار قدرت نیز اشاره می‌کند دوست دارم. «پسری در برج» نیز به خاطر نوع مشکلی که برای زمین پیش آمده و راه‌حلش برایم جالب بود. اما اگر بخواهم به نویسنده‌ی خاصی در ژانر فانتزی اشاره کنم باید بگویم آثار نیل گیمن را خیلی دوست دارم. در بین فانتزی‌های ایرانی سال‌های اخیر، «افسانه‌ی جزیره‌ی کبودان» را به خاطر نگاه مسئولانه و دغدغه‌مند به دریاچه‌ی ارومیه تحسین می‌کنم که البته به نظرم مربوط به گروه سنی بالای ده سال است. /ایبنا

درگیری‌ها را با والدینشان داشته باشند. همان تضادها و تعارض‌ها را با جامعه تجربه کنند و دغدغه‌هایشان و دوستی‌ها و فعالیت‌هایشان از جنس نوجوانان امروز باشد. امیدوارم این تلاش موثر بوده باشد.

وقتی یک کتاب را می‌نویسید اول به چه کسی می‌دهید بخواند و چند بار بازنویسی می‌کنید؟

اول که توی خانه دخترم و همسرم می‌خوانند. یلدا الان پانزده‌ساله است و واکنش‌هایش می‌تواند خیلی به من کمک کند. اگر چیزی برایش مهم شود و مدام دنبال دانستنش باشد، اگر از دست شخصیتی حرص بخورد و دوست داشته باشد بلایی سر آن شخصیت بیاید، می‌فهمم که هیجان خلق کرده‌ام و اگر چیزی برایش مبهم و نامشخص باشد می‌فهمم که چیزی را درست شرح نداده‌ام. اما جز او، خواهرزاده‌ام، بچه‌هایی که با آن‌ها در ارتباطم، شاگردانم و منتقدین نوجوانی که می‌شناسم و دقیق می‌خوانند کمک‌های بعدی من هستند. گاهی هم دوستان نویسنده‌ام لطف می‌کنند و می‌خوانند و انتقادات موثری بیان می‌کنند. در مورد بازنویسی باید بگویم رمان‌ها متفاوتند. گاهی خودم بازنویسی می‌کنم، گاهی کارشناسان نشر پیشنهاداتی می‌دهند. حالا یا به نظرم خوب است و می‌پذیرم یا کارم را به آن نشر نمی‌دهم. گاهی هم کاری هست که نیاز به بازنویسی چندانی ندارد.

آیا برای نوشتن «طلسم شهر برف» از اسطوره‌ها و یا شخصیت‌های آثار گذشته هم الهام گرفته‌اید؟

خیلی دوست داشتم اسطوره‌های گذشته را توی

نسبت به نوجوانی پدران و مادرانشان اطلاعات بیشتری دارند و سعی می‌کنند در جامعه موثر باشند. فکر می‌کنم آناهیتا می‌تواند نماینده‌ی خوبی برای آن‌ها باشد.

در میان آثار نویسندگان ایرانی برای نوجوانان، آثار در ژانر فانتزی کمتر دیده می‌شود. به نظر تان دلایل چیست؟

راستش نمی‌دانم. ادبیات ما از گذشته نمونه‌های خوبی در ژانر فانتزی دارد. بنابراین این‌طور نیست که بگویم زمینه‌ی کم‌تری برای نوشتن فانتزی در ایران وجود دارد، چرا که اسطوره‌ها و افسانه‌های ایرانی خودبه‌خود زمینه‌ی خوبی برای نوشتن در اختیار ما قرار می‌دهند. فکر می‌کنم این ژانر برای مخاطبان کودک و نوجوان هم جذاب است. شاید سطره‌ی سینمای فانتزی جهانی در سال‌هایی ما را مجذوب خود کرد اما کم‌کم نویسندگان بیشتری دارند تلاش می‌کنند با نگاهی دقیق‌تر به زمینه‌های فرهنگی بومی، داستان‌های فانتزی با رنگ و بوی ایرانی بنویسند.

چگونه سعی کردید این اثر برای مخاطب باورپذیر باشد و بتواند به راحتی با او ارتباط برقرار کند؟

راستش اصلاً نمی‌دانم باید اثرم را باورپذیر بدانم یا نه. چنین داوریهایی را باید مخاطب انجام دهد. تا این‌جای کار که هنوز کسی ناباورانه درباره‌ی آناهیتا و دوستانش با من حرف نزده است.

اگر همین اندک را نشان توفیق نسبی در این مورد بدانم باید بگویم سعی کرده‌ام شخصیت‌ها نزدیک به نوجوانان امروز باشند، همان‌طور حرف بزنند، همان نوع

مطابق با زمانه خلق کند. این نویسنده پیش از این آثاری همچون «موشی که پدرش آدم شد»، «کارآگاه خانم‌جان» و «گروه مخفی» را برای کودکان و نوجوانان نوشته است.

چه شد که به فکر نوشتن رمان «طلسم شهر برف» افتادید؟

وضعیت تغییرات اقلیمی در شهر محل تولدم تهران، باعث شده که دیگر برف به اندازهی گذشته نیارد. شاید سال‌هاست که بچه‌های ما در مرکز تهران مشتاقانه منتظر بارش برف هستند. شاید از آخرین باری که در حوالی خانه‌ی ما برف سنگین باریده حدود ده سال گذشته باشد و این برای همه‌ی ما به شدت ناراحت‌کننده است. آلودگی هوا و تغییرات ناشی از گرم شدن کره‌ی زمین بر اثر استفاده از تکنولوژی، اغلب به عنوان متهم ردیف اول این جریان شناخته می‌شوند. در دوران کرونا دیدیم که با تعطیلی کسب‌وکارها و کم شدن رفت‌وآمد مردم روی کره‌ی زمین، حیوانات به سطح شهرها پا گذاشتند، لایه‌ی اوزون ترمیم شد و زمین نفس کشید. ایده‌ی این کتاب با دیدن چنین شرایطی شکل گرفت.

به نظر شما شخصیت‌های این رمان، خصوصاً آناهیتا، چقدر شبیه به نوجوانان امروزی در جامعه هستند و نوجوانان چقدر با این شخصیت ارتباط برقرار می‌کنند؟

آناهیتا دختر جسور و در عین حال مسئولی است. او نسبت به این شرایط حساس است و قهرمانانه سعی می‌کند کاری انجام دهد. فکر می‌کنم در میان نوجوانان امروزی هم چنین شخصیت‌هایی زیاد هستند. آن‌ها



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب

سپیده نیکرو درباره رمان «طلسم شهر برف» بیان کرد: آناهیتا، شخصیت اصلی این رمان، دختر جسور و در عین حال مسئولی است. او نسبت به تغییرات اقلیمی حساس است و قهرمانانه سعی می‌کند کاری انجام دهد. فکر می‌کنم در میان نوجوانان امروزی هم چنین شخصیت‌هایی زیاد هستند. آن‌ها نسبت به نوجوانی پدران و مادرانشان اطلاعات بیشتری دارند و سعی می‌کنند در جامعه موثر باشند.

تعداد رمان‌های نوجوان که نویسنده آن‌ها ایرانی باشد معمولاً در بازار کتاب بسیار کمتر از کتاب‌های ترجمه شده است. به همین خاطر انتشار رمانی در ژانر فانتزی که حال و هوای ایرانی داشته باشد و مخاطب نیز بتواند به‌خوبی با آن ارتباط برقرار کند، شاید به‌ندرت اتفاق بیفتد. «طلسم شهر برف» سپیده نیکرو، که به‌تازگی از سوی انتشارات قدیانی برای نوجوانان منتشر شده است، چنین ویژگی‌هایی دارد. به مناسبت چاپ این کتاب به سراغ نویسنده‌اش رفته‌ایم. سپیده نیکرو مسائل اجتماعی و محیط زیستی مانند کمبود بارش برف و باران در تهران را در این اثر منعکس کرده و تلاش کرده داستانی

مفقودی	روزنامه طرح نو	شناسه آگهی: ۱۹۸۱۷۱۸	م الف: ۱۹۸۱۷۱۸	روزنامه طرح نو
اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری تیا مدل ۱۴۰۱ به شماره انتظامی ۱۷-۸۷۳-هـ ۴۴ شماره موتور M۱۵۱/۹۵۵۲۵۶۷ و شماره شاسی NAS۸۲۱۱۱۰۰N۱۰۵۲۴۱۷ به مالکیت خانم مهدیه نوری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.	شماره: ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۵۰۰۶۱۰۴ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)	وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مرند تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای علی منشی زاده فرزند حمید بشماره شناسنامه ۴۳۴ صادره از مرند در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۹۹۷ متر مربع به پلاک ۲۶۳۴ فرعی از ۱ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۰۶۰ فرعی از ۱ اصلی واقع در کندلیج بخش ۱۵ تبریز خریداری از مالکین مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس	از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نماید. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵
		احد فعال – رئیس ثبت اسناد و املاک مرند		

روزنامه طرح نو

شناسه آگهی: ۱۹۷۰۰۶۲

اصلاں محمدی کردآباد فرزند محمد علی بشماره شناسنامه ۱۲۹۰ صادره از اسکو در ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۷۱۸۲.۴ متر مربع تحت پلاک ثبتی ۱۳۳۴ فرعی از ۲۴ اصلی قطعه ۲۱۵ واقع در کردآباد بخش ۱۴ تبریز

۴- برابر رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۱۷۰۰۰۶۹۲ به مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۲۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک اسکو تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای اصلاں محمدی کردآباد فرزند محمد علی بشماره شناسنامه ۱۲۹۰ صادره از اسکو در ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۹۳۴.۵۶ مترمربع تحت پلاک ثبتی ۱۳۳۷ فرعی از ۲۴ اصلی قطعه ۵۲۸ واقع در کردآباد بخش ۱۴ تبریز

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انتقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ آگهی الصاق نوبت اول: روز شنبه ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ آگهی الصاق نوبت دوم: روز دو شنبه ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

خلیل شری زاده
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسکو

روزنامه طرح نو

شناسه آگهی: ۱۹۷۰۴۳۱

از اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۴۴۴ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در بخش ۱۴ تبریز محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید،ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انتقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

خلیل شری زاده
رئیس ثبت اسناد و املاک اسکو

روزنامه طرح نو

م الف: ۱۹۷۱۵۱۰

شناسه آگهی: ۱۹۷۱۵۱۰

اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند .

شهرستان سراب بخش ۴۹ تبریز

آقای رحیم بهرامی ثر به شماره شناسنامه ۱۴۸۸۱ و کد ملی ۱۶۵۰۱۳۹۴۹۷ صادره سراب فرزند ریعلی نسبت به ششداڭگ یک قطعه ساختمان از پلاک ۳۲۲۲ اصلی بمساحت ۰.۲۶ متر مربع.

تاریخ انتشار نوبت اول: روز یکشنبه ۱۴۰۴/۰۵/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: روز دوشنبه ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

امین عظیمی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک
سراب

روزنامه طرح نو

شناسه آگهی: ۱۹۷۱۲۹۵

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۱ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۷۸.۲۶ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمدحسن بيمقدار

۱۷- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۹۸

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۱ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به ساحت ۱۱۸۵.۹۲ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

لذا به منظور اطلاع عموم و به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای سند رسمی و ماده ۱۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیر الانتشار محلی آگهی می شود تا در صورتیکه اشخاص حقیقی یا حقوقی به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به دادگاه عمومی محل تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انتقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات عملیات ثبتی ادامه و سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

شهرام قره باغی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک
شهرستان ورزقان

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۱.۷۱ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۱۳- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۸۰

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۰.۴۹ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمدحسن بيمقدار

۱۴- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۸۱

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۰.۴۹ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۱۵- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۸۳

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۵۸.۳۲ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۱۶- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۹۵

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۰.۱۲ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۹- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۷۳

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۳.۸۳ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۱۰- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۷۵

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۳.۸۳ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۱۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۳۴۷۷

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۹۲.۲۱ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۱۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۷۹

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۴.۳۴ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۵- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۶۹

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۲.۷۸ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۶- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۷۰

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۲.۷۹ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۷- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۳۴۰۰۲۴۷۱

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۳.۳۰ مترمربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۸- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۷۲

شماره: ۱۴۰۴/۱۰۴/۲۴/۲۸۷۸
تاریخ: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی ورزقان (نوبت دوم)

۱- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۶۵

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۷۳.۴۳ متر مربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۲- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۶۶

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۲.۲۶ متر مربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۳- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۶۷

مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ مالکیت آقای محمد رفیعی نسبت به ششداڭگ یک قطعه زمین زراعی مفروزی از پلاک ۲۱۷ فرعی از ۳۹ اصلی از بخش ۲۳ تبریز، حوزه ثبت ملک شهرستان ورزقان واقع در شهر ورزقان به مساحت ۱۸۰.۶۴ متر مربع، انتقال مالکیت از وراث محمد حسن بيمقدار

۴- مطابق رأی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۴۰۲۴۰۰۲۴۶۸

مشاور دبیر کل نهاد کتابخانه های عمومی کشور:

موکب « کتاب حسینی » آذربایجان غربی پیوست فرهنگی برای پیاده روی اربعین است



اربعین، تقویت فرهنگ عاشورایی، خدمت رسانی فرهنگی، ایجاد فضای معنوی برای زائران، توجه به نیازهای مطالعاتی زائران، بصیرت‌افزایی، ارائه محتوای فرهنگی غنی، محقق ساختن شور و شعور حسینی، نمایش جنبه مردمی و حماسی اربعین حسینی و وحدت اسلامی از اهداف این موکب است. ایرنا

آنها به باشگاه‌های فرهنگی اجتماعی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در قالب موکب‌ها به عنوان مروج فرهنگ کتابخوانی با محوریت محرم و حضرت سیدالشهدا (ع) در استان‌های مرزی فعالیت می‌کند. عمرانی به تشریح اهداف و فعالیت‌های موکب «کتاب حسینی» پرداخت و گفت: پاسداشت و ترویج آیین بزرگ پیاده‌روی

طرح نو؛ گروه خبر
مشاور دبیرکل نهاد کتابخانه های عمومی کشور گفت: موکب «کتاب حسینی» آذربایجان‌غربی یک پیوست فرهنگی برای تبیین اهداف رویداد پیاده روی اربعین است. سجاد عمرانی، در بازدید از موکب «کتاب حسینی» کتابخانه‌های عمومی آذربایجان‌غربی درمرز تمرچین با قدردانی از دست اندرکاران این موکب، افزود: فعالیت‌های جذاب، متنوع و خلاقانه موکب «کتاب حسینی» برای زائران کشورهای مختلف، وجه تمایز فعالیت این موکب، نسبت به سایر استان‌ها و سنوات گذشته است.

مشاور دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور یادآور شد: هر پدیده اجتماعی در جامعه برای ماندگاری نیاز به یک پیوست فرهنگی دارد و پیاده‌روی اربعین با توجه به اینکه رویدادی عجیب و مهم اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود، نیاز به یک پیوست فرهنگی برای تبیین اهداف خود دارد.

وی ادامه داد: با توجه به تغییر رویکرد کتابخانه‌های عمومی و تبدیل

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: چهار راه مارالان - روبروی مسجد میانه- پ ۵۲۳ - طبقه ۴

تلفکس: ۸۷۷۱ ۳۵۴۱-۰۴۱

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۲۲۲۴۸۵۸۸-۰۴۴

لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

طرح سبز نو

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی:

توسعه فضای سبز

و احیای بناهای تاریخی

گامی ارزشمند در زندگی شهروندان است

پیامبر اکرم (ص):
همه تقوا این است که آنچه را نمی‌دانی بیاموزی
و آنچه را می‌دانی به کار بندی

دوشنبه ۲۰ مرداد ماه ۱۴۰۴ - سال نوزدهم - شماره ۳۳۷۸



و بر اهمیت آن در شناساندن تاریخ و فرهنگ غنی تبریز به سایر هم‌وطنان تأکید نمود. وی افزود: اینگونه پروژه‌ها نه تنها به افزایش سرانه فضای سبز و ارتقاء زیبایی بصری شهر کمک می‌کند، بلکه با احیای بناهای تاریخی، هویت فرهنگی و تاریخی تبریز را زنده نگه می‌دارد و به نسل‌های آینده منتقل می‌کند. این اقدامات، تبریز را به عنوان مهد تمدن و فرهنگ ایرانی، بیش از پیش معرفی خواهد کرد و به جذب گردشگران و رونق اقتصادی و فرهنگی شهر یاری خواهد رساند.

جهت پر کردن اوقات فراغت شهروندان و فراهم آوردن محیطی سالم و دلنشین برای خانواده‌ها برشمرد. نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی گفت: توسعه فضاهای سبز نه تنها به بهبود کیفیت هوا و کاهش آلودگی کمک می‌کند، بلکه نقش بسزایی در ارتقاء سلامت روحی و جسمی شهروندان ایفا می‌کند و به شهر طراوت و زیبایی می‌بخشد. او در ادامه، احداث نمادین عمارت کلاه‌فرنگی در فاز دوم پارک باغشمال را کاری زیبا و ادای دین به تاریخ توصیف کرد

که یعقوب هوشیار، شهردار تبریز، گزارشی مبسوط از وضعیت و پیشرفت پروژه‌های عمرانی در حال اجرا در منطقه ۳ را برای علیرضا نوین تشریح کرد و بر اهمیت این پروژه‌ها در توسعه زیرساخت‌های شهری و بهبود رفاه عمومی تأکید کرد. علیرضا نوین، با تقدیر از اقدامات شهرداری، احداث فضاهای سبز جدید در بخش مرکزی شهر تبریز به ویژه در محدوده فعالیت شهرداری منطقه ۳ را اقدامی بسیار ارزشمند دانست و طرح تبدیل پادگان ارتش به پارک باغشمال را نیز گامی مهم و اثربخش در

طرح نو؛ گروه شهری نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی به همراه شهردار تبریز، از پروژه‌های عمرانی شهرداری منطقه ۳ تبریز بازدید به عمل آورد. علیرضا نوین، نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی، به همراه یعقوب هوشیار، شهردار تبریز، از پروژه‌های عمرانی شهرداری منطقه ۳ تبریز بازدید به عمل آورد. این بازدید شامل بررسی وضعیت اراضی میدان تیر و فاز دوم پارک باغشمال بود

خبر

کریدور زنگه‌زور رسماً کلید زده شد



طرح نو؛ گروه سیاست ترامپ با فراخوان نخست وزیر ارمنستان و رئیس جمهور آذربایجان طرح خود برای راه‌اندازی کریدور زنگه‌زور را عملیاتی کرد. بر این اساس قرار است جغرافیای کریدور زنگه‌زور به بهانه ایجاد زیرساخت به مدت ۹۹ سال به آمریکا واگذار شود.

طرح ترامپ درباره «کریدور زنگه‌زور» یا «جاده ترامپ» (TRIPP)، تهدیدهای ژئوپلیتیکی جدی برای ایران به همراه دارد. از جمله؛

- حذف نقش ژئوپلیتیک ایران در اتصال آسیای مرکزی به قفقاز و ترکیه؛ مسیر سنتی اتصال آذربایجان به نخجوان از طریق ایران عبور می‌کرد. اگر کریدور زنگه‌زور فعال شود، آذربایجان دیگر نیاز به مسیر زمینی از خاک ایران ندارد. این یعنی کاهش اهمیت ترانزیتی ایران برای آذربایجان، ترکیه و حتی برخی کشورهای آسیای مرکزی.
- ایجاد پایگاه نفوذ آمریکا در مرزهای شمالی ایران: طبق طرح ترامپ، کریدور TRIPP به‌مدت ۹۹ سال تحت مدیریت مستقیم کنسرسیومی تحت حمایت ایالات متحده خواهد بود. این به معنای حضور اقتصادی و اطلاعاتی-امنیتی آمریکا در جنوب ارمنستان و نزدیکی مرزهای شمال غربی ایران است.
- تقویت محور ترکیه- آذربایجان - ناتو: این مسیر، نخجوان (در مرز با ترکیه) را به خاک اصلی آذربایجان وصل می‌کند و از آنجا به دریای خزر. در عمل، یک کریدور زمینی ترک‌محور از استانبول تا آسیای مرکزی شکل می‌گیرد که ایران را دور می‌زند. این باعث افزایش نفوذ ترکیه و ناتو در منطقه قفقاز جنوبی خواهد شد و ایران را در معادلات منطقه‌ای منزوی‌تر می‌کند.
- افزایش فشار بر ایران در معادلات انرژی: یکی از اهداف کریدور، انتقال گاز و نفت از خزر به اروپا بدون عبور از خاک ایران یا روسیه است. این می‌تواند رقابت‌پذیری صادرات انرژی ایران را کاهش دهد و مسیرهای جایگزین غربی را فعال‌تر کند.
- تحریک پان‌ترکیسم: نزدیکی ژئوپلیتیکی بیشتر آذربایجان به ترکیه و آمریکا، ممکن است پیامدهای فرهنگی و امنیتی برای ایران ایجاد کند. برخی تحلیلگران، خطر تحریک گفتمان پان‌ترکیسم را نیز در این فضا جدی می‌دانند.
- طرح کریدور زنگه‌زور می‌تواند ارتباط زمینی ایران با اروپا از طریق ارمنستان را تضعیف یا حتی قطع کند./ آرومان ایران

معاون فنی و عمرانی شهردار تبریز خبر داد:

مقاوم‌سازی و بهسازی ۷ پل شهری با ۷۱ میلیارد تومان اعتبار

مقاوم‌سازی چند پل دیگر خبر داد و اظهار داشت: طراحی لرزه‌ای پل خواجه رشید عباسی، مطالعات پل ابوریحان، مطالعات پل جهاد (نصف‌راه)، مقاوم‌سازی پل ارم و ارزیابی آسیب‌پذیری پل فلزی از جمله پروژه‌هایی هستند که در مرحله مطالعه قرار دارند.

معاون فنی و عمرانی شهرداری تبریز در ادامه با اشاره به پروژه‌هایی که مطالعات آن‌ها به پایان رسیده، گفت: مطالعات تکمیل مقاوم‌سازی و بهسازی پل روگذر شهید پیشقدم و طراحی و مرمت پل خلعت‌پوشان به پایان رسیده‌اند. همچنین مطالعات ترمیم و مرمت پل‌های دارایی و قائم‌مقام نیز نهایی شده و هر دو پل در مرحله عقد قرارداد و اجرا قرار دارند.

سامان احمدزاده در پایان تأکید کرد: مقاوم‌سازی پل‌های شهری، نه‌تنها گامی مهم در ایمن‌سازی تبریز است، بلکه نشان‌دهنده تعهد مدیریت شهری در حفظ زیرساخت‌های حیاتی و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان است و این مسیر با جدیت ادامه خواهد یافت.



۱۱ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان بوده‌اند. و در ادامه افزود: در حال حاضر، سه پروژه مهم مقاوم‌سازی نیز در مرحله اجرا قرار دارند که شامل پل شهید بهشتی با اعتبار ۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان، پل آبرسان با اعتبار ۱۵

اعتبار ۱۱ میلیارد و ۶۵۰ میلیون تومان بوده‌اند. وی در ادامه افزود: در حال حاضر، سه پروژه مهم مقاوم‌سازی نیز در مرحله اجرا قرار دارند که شامل پل شهید بهشتی با اعتبار ۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان، پل آبرسان با اعتبار ۱۵

گزارش

فعال‌سازی کریدور "شمال - جنوب" با احداث بزرگراه "تبریز -ایروان"

کریدور ضرورت داشت که در این راستا، احداث قطعه ۵۲ کیلومتری «ورزقان -نوردوز» در دستور کار قرار گرفت. با توجه به محدودیت‌های اعتباری دولت، شرکت ملی مس تامین مالی آن را بر عهده گرفت. آخرین گزارش‌ها از پیشرفت ۹۰ درصدی این بزرگراه خبر داده‌اند. همزمان، دولت سیزدهم طرح احداث پل دوم مرزی را نیز در مذاکرات مطرح نموده بود تا در چشم‌انداز محدودیت پل موجود در نقطه صفر مرزی گلوگاه ترافیکی ایجاد نکند.

آثار راهبردی

باید توجه داشت که فعال‌کردن شاخه ارمنی کریدور شمال- جنوب در زمره طرح‌هایی است که آثار راهبردی مهم برای کشور به دنبال دارد و ضروری است تاوأم کاربست دیپلماسی زیرساخت در خصوص ارمنستان در دستور کار دولت جدید قرار داشته باشد؛ چرا که در یک نگاه کلی، ایجاد شاخه ارمنی این کریدور واجد آثار راهبردی ذیل خواهد بود:

- ۱- فعالسازی کریدور «خلیج فارس- دریای سیاه»
- ۲- تنوع‌بخشی به مسیرهای کریدور شمال-جنوب
- ۳- حفظ استقلال ترانزیتی با ارمنستان و حذف کشور ثالث
- ۴- ارتقای سطح همکاری‌های فنی-مهندسی میان ایران و ارمنستان
- ۵- بهبود کیفیت زیرساخت ترانزیتی و انطباق آن با استانداردهای بین‌المللی

برای نیل به اهداف بلندمدت، تکمیل اتوبان شمال-جنوب ارمنستان به ضرورتی غیرقابل چشم‌پوشی بدل گردید.

ارتقای ظرفیت خارجی با احداث اتوبان شمال-جنوب ارمنستان از یک دهه پیش تاکنون، ارمنستان بر روی طرحی کلان برای احداث «اتوبان شمال-جنوب» به طول ۵۵۶ کیلومتر از مغری در مرز ایران به سمت ایروان و سپس گیومری در مرز گرجستان تمرکز نموده است. در صورت احداث کامل این کریدور، زمان حمل کالاهای ایرانی در خاک ارمنستان از ۹ ساعت به ۵ ساعت کاهش خواهد یافت و هزینه حمل نیز به ازای هر تن کیلومتر ۱۵ تا ۲ دلار کاهش خواهد یافت. با کاربست دیپلماسی زیرساخت در سطح دوجانبه، قرارداد احداث قطعه چهارم این اتوبان در محدوده آکاراک-کاجران به ۳ شرکت ایرانی واگذار شد و این سه شرکت قرار است با تامین مالی بانک توسعه اوراسیا و دولت ارمنستان، ۲۱ کیلومتر جاده آکاراک-واردانی‌دزور را بازسازی اساسی و ۱۱ کیلومتر از واردانی‌دزور به کاجران را احداث نمایند.

ارتقای ظرفیت داخلی: «ورزقان-نوردوز» و طرح احداث پل دوم مرزی همگام با ارتقای ظرفیت خارجی، تکمیل نواقص شبکه جاده‌ای از تهران و تبریز به مرز نوردوز برای بهره‌برداری بهینه از این



بود؛ چرا که دسترسی ایروان به مناطق جنوبی این کشور (استان سیونیک) تنها از این رهگذر امکان‌پذیر می‌شد. براین اساس جاده «تاتو-اغوانی» به عنوان یکی از مسیرهای فرعی متصل کننده «قاپان-گوریس» با مشارکت و مساعی دو طرف، به سرعت بازسازی و تکمیل گردید. علیرغم تحقق اهدافی چون تردد مستقل، بدون مانع و بدون هزینه اضافی فعالسازی جاده «تاتو-اغوانی» به سبب پاره‌ای ملاحظات فنی پاسخی کوتاه مدت و مقطعی به تغییرات قفقاز جنوبی محسوب می‌شد و

در این خصوص با جمهوری آذربایجان به نتیجه مطلوبی دست نیافت و در نهایت ارمنستان و ایران تصمیم به جایگزینی مسیر «قاپان-گوریس» گرفتند.

«تاتو-اغوانی» و حفظ استقلال ترانزیتی فارغ از اهداف بلندمدت ترانزیتی، ضروری بود که برای ترانزیت بار میان دو پایتخت مسیری مستقل از قلمروی کشورهای ثالث ایجاد شود. این مسیر از منظر داخلی نیز برای ارمنستان حیاتی

طرح نو؛ گروه گزارش قابلیت ژئواکونومیک ایران برای برقراری اتصال میان مناطق مختلف امتیازی ویژه است که بهره‌برداری از آن تنها به مدد کاربست موفق دیپلماسی حمل‌ونقل و زیرساخت تحقق می‌یابد و نقش جمهوری ارمنستان در این حوزه، در چارچوب ترانزیت شمال-جنوب و از منظر فعالسازی کریدور خلیج فارس-دریای سیاه برای ترانزیت میان ایران و اروپا مورد توجه است.

علیرغم اینکه تقویت اتصالات و زیرساخت در این حوزه از دهه ۹۰ میلادی مورد بحث بوده و در سال ۲۰۱۶ نیز در قالب ابتکاری منطقه‌ای مورد توافق قرار گرفته، توجه کافی به عملیاتی ساختن آن تا پیش از جنگ قره‌باغ مبدول نشد. وقوع جنگ و ایجاد انسداد در مسیر سنتی ترانزیت ایران و ارمنستان یعنی جاده «قاپان-گوریس» و تهدید طرح کریدور زنگه‌زور مبنی بر قطع کلیه اتصالات ایران از مسیر ارمنستان، بر اهمیت فعالسازی این شاخه کریدوری در حفظ استقلال ترانزیتی کشور و تبادلالت دوجانبه افزود.

جاده «قاپان-گوریس» مسیر سنتی ترانزیت میان تهران و ایروان بود که ۲۰ کیلومتر از آن از سرزمین‌هایی عبور می‌کرد که آذربایجان در خلال جنگ قره‌باغ کنترل آنها را در اختیار گرفت. با بازپس‌گیری منطقه عیوضلی، آذری‌ها ضمن بازداشت برخی رانندگان، اقدام به وضع عوارض سنگین (۱۲۰ دلار) به کامیون‌های عبوری از مسیر ایران نمودند. تلاش‌های دیپلماتیک